اخبار

سردبیر «چلچراغ» استعفا کرد

سردبیر نشریه چلچراغ در اعتراض به مخالفت مدیران اصلاح‌طلب این نشریه در پرداختن به فیلم ماجرای نیمروز، از سمت خود استعفا کرد، به گزارش «وطن‌امروز» امیر موسی کاظمی با انتشار متنی در فضای مجازی استعفای خود را در اعتراض به این تصمیم اعلام کرد. متن وی به این شرح است:

خداحافظ چلچراغ؛ ماجرای نیمروز ارزش آن را داشت که به خاطرش چلچراغ را رها کنم. مجله‌ای که دوستش داشتم و دارم اما نتوانستم منطق مخالفت برخی مدیران اصلاح‌طلب آن را با جلد شدن این فیلم درک کنم و در نهایت تصمیم به استعفا از سردبیری مجله محبوبم گرفتم. شاید ماجرای ترس داوران دوتابعیتی جشنواره سی و پنجم فیلم فجر از جایزه دادن به این فیلم، در بدنه مطبوعات هم رخنه کرده. ترسی که ریشه در تابعیت دوگانه افرادی دارد که نمی‌خواهند با توجه نشان دادن به فیلمی ضد منافقین، در خارج از مرزها دچار مشکل شوند.

■■■

بازی در «ویلایی‌ها» ادای دین به مادرم بود

گیتی قاسمی، بازیگر تئاتر و سینمای ایران که امسال با ۲ فیلم «ویلایی‌ها» و «سدمعبر» در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، درباره حضورش در فیلم «ویلایی ها» گفت: بازی من در این فیلم سینمایی در واقع به نوعی قسمت بود چون من بیش از ۲۰ سال پیش در همان مکان و در اندیمشک با خانواده‌ام زندگی می‌کردم. در واقع این فیلم به نوعی زندگی مادر من بود، چون پدرم در آن دوران اسیر شده بود و در یکی از کمپ‌های عراقی‌ها به‌سر می‌برد و چون نامش در لیست هلال‌احمر نبود، چند سال مفقودالاثر بود. بنابراین من فضایی را که در فیلم «ویلایی‌ها» به تصویر می‌کشد، کاملاً از نزدیک درک کردم و با آن مشکلات آشنا بودم. به گزارش مهر، وی ادامه داد: باوجودی که نقشم در این فیلم بسیار کمرنگ بود اما بسیار دوست داشتم در آن بازی کنم و به همان فضای گذشته بازگردم. این اثر سینمایی شبیه دوران کودکی من بود و در واقع بازی من در این فیلم ادای دینی به زحمت‌ها و تلاش‌های مادرم در آن دوران بود.

■■■

تجلیل از زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور در «اوج‌هنر»

سومین آیین «اوج هنر» پاسداشت کارگردان فقید سینما زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور در نخلستان سازمان هنری -رسانه‌ای اوج برگزار می‌شود. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، در این مراسم که ۱۰ اسفند از ساعت ۱۶ در نخلستان سازمان اوج برگزار می‌شود، قرار است تعداد کثیری از هنرمندان، کارگردانان هم‌نسل زنده‌یاد ملاقلی‌پور، بازیگران و عوامل تولید فیلم وی، منتقدان سینما و چهره‌های فرهنگی و هنری حضور یافته و به پاسداشت مقام هنری این کارگردان فقید بپردازند. زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور با کارگردانی آثاری چون قارچ سمی، سفر به چزابه، نسل سوخته، بلمی به سوی ساحل، میم مثل مادر و... در سینمای ایران درخشید و با فیلم پرواز در شب، سیمرغ بلورین بهترین فیلم را از پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر دریافت کرد. سلسله‌نشست‌های «اوج هنر» در پاسداشت مقام هنری چهره‌های ماندگار هنر انقلاب در سازمان اوج برگزار می‌شود که تاکنون در ۲ جلسه پیشین، از گلعلی بابایی و هدایت‌الله بهبودی تجلیل به عمل آمده است.

■■■

سفر شاعران جشنواره شعر فجر به جزیره هرمز

تعدادی از شاعران دهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر با سفر به هرمزگان در ششمین محفل شعرخوانی این جشنواره شرکت کردند. به گزارش تسنیم، پس از کاشان، البرز، مشهد، تهران و ری، استان هرمزگان و «جزیره هرمز»، میزبان شاعران کشورمان در ششمین محفل از محافل شعرخوانی یازدهمین جشنواره شعر فجر بود. محفل «خلیج‌فارس» با سخنرانی مهدی قزلی، مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی برگزار شد. همچنین جواد محقق، غلامرضا طریقی، پونه نکوی، مسعود دیانی، سیده‌فاطمه موسوی، امینه دریانورد، مسلم محبی، بلقیس بهزادی، جواد ضمیری، هاجر مهدی‌حسینی، عبدالحسین انصاری، سارا عباسی و عبدالحسین انصاری‌نسب در آن به شعرخوانی پرداختند. مراسم پایانی یازدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، اسفندماه امسال در مشهد مقدس، پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷ برگزار می‌شود.

گزارش «وطن‌امروز» از بی‌سابقه‌ترین اعتراضات نسبت به داوری‌ها در تاریخ جشنواره فیلم فجر

سینما اعتدال!

محمدرضا کردلو: جشنواره فیلم فجر به عنوان یک میراث ملی از ابتدای شکل‌گیری تاکنون با همه فراز و نشیب‌ها، اختلاف سلیقه‌ها و نگاه‌های متفاوت یکی از مجامع مهم سینمای ایران و در واقع مهم‌ترین آنها بوده است. در ۳۵ سال گذشته اما با وجود رویکردهای متفاوت در دوره‌های مختلف، هیچگاه شاهد چنین آشفتگی‌ای در برگزاری جشنواره فیلم فجر نبوده‌ایم. جشنواره‌ای که در سال آخر دولت یازدهم برگزار شد و امروز به ایستگاه آخر می‌رسد، نشان داد این دولت پس از ۳ دوره برگزاری این جشنواره حتی در برآورده کردن حداقل انتظارات فیلمسازان، منتقدان، اهالی رسانه و مخاطبان مردمی موفق نبوده است. اتفاقات نامناسب و گاف‌هایی که در طول مدت برگزاری جشنواره از برگزارکنندگان سر زد، هر کدام به تنهایی برای به چالش کشیدن روند اجرایی این جشنواره کافی بود. از معرفی یک هیات انتخاب ضعیف که از همان ابتدا جشنواره را با حاشیه‌های جدی مواجه کرد تا سیستم ناقص فروش بلیت که اهالی سینما را با مشکلات فراوان روبه‌رو کرد، از انتخاب هیات داورانی که ۵ نفر از آنها در خارج از کشور زندگی می‌کنند و سال‌های زیادی در حوزه سینما فعالیت نکرده‌اند تا روند برنامه‌ریزی سانس نمایش فیلم‌ها در کاخ جشنواره، همه و همه دست به دست هم داد تا جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر به بدترین شکل ممکن برگزار شود. در طول مدت برگزاری جشنواره نمایش برخی فیلم‌ها در بخش رقابتی این سوال را برای منتقدان به وجود می‌آورد که اساسا برخی از این فیلم‌ها چگونه وارد بخش رقابتی جشنواره شده‌اند؟ فیلم‌هایی که بسیاری از آنها در حد تله‌فیلم‌های بعدازظهر جمعه‌ای تلویزیون بودند و هرگز در قد و قواره یک کار سینمایی ظاهر نشدند. با همه اینها اما جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر به ایستگاه آخر رسید و هیات داوران پرحاشیه این جشنواره با یک ترکیب عجیب، نامزدهای سیمرغ جشنواره در بخش‌های مختلف را معرفی کردند. انتخاب‌های هیات داوران جشنواره سی‌وپنجم بشدت بی‌سابقه و بهت‌برانگیز بود. فیلمی که اساسا موسیقی متن نداشت، در بخش موسیقی متن، از سوی هیات داوران به عنوان نامزد معرفی شده بود، کارگردانان چند فیلم به عدم وجود «جلوه‌های ویژه میدانی» در فیلم خود اذعان می‌کردند اما همین فیلم‌های فاقد جلوه‌های ویژه میدانی در این بخش به عنوان نامزد سیمرغ معرفی شده بودند. این گاف‌ها آنقدر واضح بود که در میان بحث‌های شبکه‌های اجتماعی به سوژه طنز تبدیل شده بود.

■ کارگردان ویلایی‌ها: به دست آوردن دل خانواده شهدا را با جدال‌های حقیرانه تاخت نمی‌زنم

بیانیه‌های پی‌درپی در اعتراض و شکایت از داوری‌های صورت گرفته در این جشنواره به جایی رسید که چند تن از نامزدهای سیمرغ در بخش‌های مختلف، با ارسال نامه‌هایی رسمی کناره‌گیری و انصراف خود را از حضور در میان نامزدهای سیمرغ اعلام کردند؛ اتفاقی که باز هم بسان نحوه معرفی هیات انتخاب، نحوه برنامه‌ریزی اکران‌ها، نحوه بلیت‌فروشی و باقی روندهای پراشتباه جشنواره سی‌وپنجم فجر، بی‌سابقه بود. منیر قیدی، کارگردان فیلم خوب «ویلایی‌ها» در پی اعتراض به داوری‌های این دوره، از کاندیداتوری خود در بخش فیلمنامه انصراف داد. وی در متنی که در اعتراض از هیات داوران نوشته است می‌آورد: «حضور در هر رقابتی و تن دادن به قواعد داوری بخشی مهم از روحیه کمال‌طلبی و حتی جاه‌طلبی هر هنرمندی است اما این حضور هنگامی ارزش دارد که در مواجهه با حسادت و جهالت و بلاهت و حذف، قربانی نشود. فیلمنامه ویلایی‌ها روایتی است که به قدر بضاعت خود و به گواه آرا و نظرها و بازخوردهای متنوع، فروتنانه و بی‌ادعا بر دل مخاطبان اصلی آن نشسته است و سهم هنرمندان این فیلم را در ادای دین به مقطع مهمی از تاریخ این سرزمین و به دست آوردن دل خانواده‌های شهدا و جانبازان دریادل برآورد کرده است». قیدی در بخش دیگری از این نامه می‌افزاید: من این دستاورد آسمانی را با جدال‌های حقیرانه و کوربینانه رقابت‌های زمینیان در گل مانده، تاخت نمی‌زنم و به یاد و خاطره همان «یارانی که غریبانه رفتند از این خانه» ارزش و حرمت غریبانگی‌هایی از این دست را در تنهایی خود با زیبایی بیشتری احساس می‌کنم و این حال را به نامزدی‌ها و مرتبه‌های دیگری که در دست آدمیان ریاکار، حقیر شده است نمی‌دهم و از سعید ملکان عزیز تمنا و استدعا دارم با همان نگاه مؤلفانه و حسن‌نیتی که به سینمای ایران دارد، همچنان به خطر کردن در آزمودن عرصه‌ها و استعدادهای جدید بپردازد و دل قوی داشته و راهش را ادامه دهد که: «خداوند عزت دهد». همچنین مسعود سلامی و محسن نصراللهی مدیر فیلمبرداری و طراح صحنه فیلم «خفه‌گی» با انتقاد از داوری‌های عجیب این دوره به شکل رسمی انصراف خود را اعلام کردند.

■ فریدون جیرانی: انصراف‌ها در ۳۵ سال اخیر بی‌سابقه‌است

در پی این انصراف‌ها فریدون جیرانی که فیلمش تنها در یک رشته در جشنواره اخیر کاندیدا شده بود، با اعلام بی‌سابقه بودن این اتفاقات در ۳۴ دوره گذشته، نوشت: همکاران عزیز، خانم منیر قیدی و آقایان مسعود سلامی و محسن نصراللهی! فکر نمی‌کنم تا آنجا که من به یاد دارم کاندیدایی در ۳۵ سال جشنواره انصراف داده باشد. این نخستین‌بار است. شما با احترام به همه کاندیداها اعتراض کردید به حقی که نادیده گرفته شده بود، حقی که مخالفان و موافقان فیلم برای شما قایل بودند و در همه جا گفتند و نوشتند. این اعتراض در تاریخ جشنواره ثبت شد، ثبتی تاریخی که قضاوت درست را باید در تاریخ جست‌وجو کرد. همچنین مسعود فراستی که گفته بود در ۱۵ سال اخیر چنین جشنواره بدی را به خاطر نمی‌آورد، درباره انصراف‌ها از نامزدی سیمرغ گفته است: در این ۳۰ سال برای نخستین‌بار است که تق همه چیز خورده است؛ تق داوری و کاندیداها و جوایز. به نظر یک خورده شوخی می‌کنیم. منتها دوستان با خودشان شوخی می‌کنند چون با مخاطب نمی‌توان شوخی کرد و آنها کاملا جدی‌اند.

■ داوران دوتابعیتی علیه «ماجرای نیمروز»

موج انصراف‌ها، انتقادها و اعتراض‌ها علیه هیات داوران جشنواره سی‌وپنجم و انتخاب‌هایشان در حالی همچنان ادامه دارد که اخبار مربوط به «دوتابعیتی» بودن ۵ عضو هیات داوران به مساله اول رسانه‌ها تبدیل شده است. بهروز افخمی در برنامه هفت سه‌شنبه‌شب با اعلام این نکته که ۵نفر از داوران دوتابعیتی هستند، گفت: می‌ترسم از این داورانی که در خارج زندگی می‌کنند. ۵ نفر از داوران تابعیت دوگانه دارند! خب این چطور می‌تواند به فیلمی علیه منافقین رای دهد؟ احتمالا چون خارج زندگی یا رفت و آمد دارند از ترس مزاحمت‌های سازمان منافقین جرات نمی‌کنند به این فیلم رای دهند. در این صورت خطر نادیده گرفتن فیلم «ماجرای نیمروز» جدا احساس می‌شود! از آنجا که مجاهدین خلق در خارج کشور فعال هستند و چند داور تابعیت دوگانه دارند، این مساله جدی است. همچنین مسعود فراستی در ادامه این بحث درباره ارتباط ترکیب هیات داوران و انتخاب‌های بخش سودای سیمرغ گفت: یکی از داورانی که در خارج هم زندگی می‌کند از من پرسید کدام فیلم خوب است و من گفتم «ماجرای نیمروز» و «ویلایی‌ها». او به من گفت نمی‌توانند به ماجرای نیمروز جایزه بدهند. این چالش‌ها همچنان ادامه دارد و هیات انتخاب دوتابعیتی با ترکیبی بی‌سابقه که دست به انتخاب‌هایی عجیب، بهت‌برانگیز، بی‌منطق و پرحاشیه زده است، پاسخی برای سوال‌های عمده منتقدان و اهالی رسانه ندارد. سعید قطبی‌زاده منتقد برنامه هفت، در بخشی از اظهاراتش درباره انتخاب‌های هیات داوران در برنامه هفت می‌گوید: برایم جالب است درباره کاندیداهایی که انتخاب شده‌اند، هم کسانی که کاندیدا شده‌اند و هم کسانی که نشده‌اند، به این آرا معترضند. واقعیت این است که بیرون از این استودیو و در میان مردم، راجع به ترکیب داوران حرف زده می‌شود. چه معیاری برای انتخاب داوری وجود دارد که سال‌هاست فیلم نساخته، سال‌هاست ایران نیامده یا سال‌هاست خارج زندگی کرده است؟ نتیجه این می‌شود که او موسیقی‌ای را شنیده که در فیلم وجود ندارد. یا جلوه‌های ویژه‌ای را دیده که چند قطره باران است... یک نفر باید در میان این داوران باشد که دفاع کند و حرف بزند. فیلم پوران درخشنده چرا باید کاندیدای بهترین فیلم باشد؟ حمید نعمت‌الله چرا کاندیدای کارگردانی نشده است؟ چرا حمید فرخ‌نژاد با بازی بدش در «خوب بد جلف» کاندیدای بازیگری شده است؟ چطور می‌شود فیلمنامه «ماجرای نیمروز» را نادیده گرفت؟ چطور می‌شود جواد عزتی و هادی حجازی‌فر را کاندیدای نقش فرعی کرد و مهرداد صدیقیان را کاندیدای نقش یک! سلامی را برای فیلم «خفه‌گی» نامزد نمی‌کنند و برای فیلم «گشت ۲» نامزد می‌کنند!

■ وزیر ارشاد: اعتراضات منشأ بداخلاقی دارد!

انتقادهایی از این دست و نادیده گرفتن و بایکوت فیلم‌هایی که در صدر آرای مردمی هستند موجب شد تا وزیر ارشاد از تشکیل کمیته‌ای برای رسیدگی به اعتراض‌های صورت گرفته درباره داوری‌های فیلم فجر خبر دهد. اقدامی که در نوع خود بی‌سابقه است. البته آقای وزیر با لحنی نامانوس با فضای سینمایی و در یک فرار رو به جلو گفته است: برخی اعتراضات به داوری جشنواره فجر فاقد اعتبار بوده و برخی دیگر منشأ بداخلاقی دارد. انتقادهای منطقی به هیات داوران مانند جفا به فیلم «بیست‌ویک روز بعد» نشان می‌دهد فاصله هیات داوران دوتابعیتی و مدیران در «کاخ جشنواره» با «ملت» بسیار است.

رونمایی از تقریظ رهبر انقلاب بر ۴ کتاب دفاع‌مقدس

لفظ خوش مقاومت

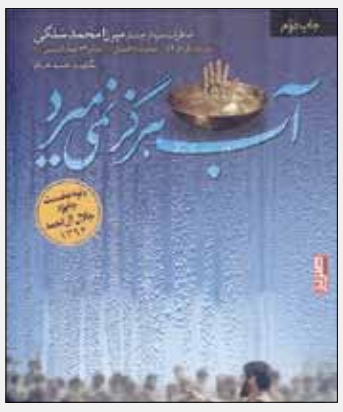

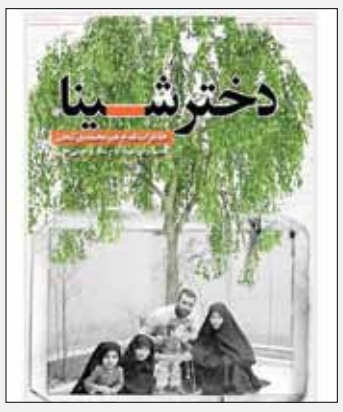

کتاب

در ششمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت از تقریظ رهبر بر ۴ کتاب رونمایی شد. به گزارش «وطن‌امروز» در این مراسم که با حضور آیت‌الله محمدی نماینده ولی‌فقیه در استان همدان، سردار محمدعلی جعفری فرمانده سپاه کل پاسداران، استاندار همدان و رئیس حوزه هنری تبلیغات اسلامی برگزار شد از تقریظ رهبر انقلاب بر ۴ کتاب «دختر شینا»، «وقتی مهتاب گم شد»، «گلستان یازدهم» و «آب هرگز نمی‌میرد» رونمایی شد.

■ «وقتی مهتاب گم شد»

متن تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «وقتی مهتاب گم شد» که روایتی عاطفی از خاطرات جانباز سرافراز علی خوش‌لفظ، هم‌رزم حاج احمد متوسلیان به قلم حمید حسام است، بدین شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بچه‌های همدان؛ بچه‌های صفا و عشق و اخلاص؛ مردان بزرگ و بی‌ادعا؛ یاران حسین(ع)؛ یاوران دین خدا... و آنگاه مادران؛ مردآفرینان شجاع و صبور و... آنگاه فضای معنویت و معرفت؛ دل‌های روشن، همت‌ها و عزم‌های راسخ؛ بصیرت‌ها و دیدهای ماورایی... اینها و بسی جویبارهای شیرین و خوشگوار دیگر از سرچشمه این روایت صادقانه و نگارش استادانه، کام دل مشتاق را غرق لذت می‌کند و آتش شوق را در آن سرکش‌تر می‌سازد. راوی، خود یک شهید زنده است. تن بشدت آزرده او نتوانسته از سرزندگی و بیداری دل او بکاهد، و الحمدلله رب‌العالمین. نویسنده نیز خود از خیل همین دلدادگان و تجربه‌دیدگان است. بر او و بر همه آنان گوارا باد فیض رضای الهی؛ ان‌شاءالله. درباره نگارش این کتاب، آنچه نوشتم کم است؛ لطف این نگارش بیش از اینها است. مقدمه کتاب یک غزل به تمام معنی است».

■ «آب هرگز نمی‌میرد»

متن تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» به قلم آقای حمید حسام که به روایت دوران حضور سردار میرزامحمد سلگی در دوران دفاع مقدس می‌پردازد به ذوق سرشار نویسنده در تولید این کتاب اشاره دارد:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

سلام بر یاران حسین (علیه‌السلام) و سلام بر لشکر انصارالحسین همدان؛ و سلام بر شهیدان، دلاوران، فدائیان، شیران روز و عابدان شب؛ و سلام بر شهید زنده میرزامحمد سلگی و بر همسر باایمان و صبور او؛ و سلام بر حمید حسام که دردانه‌هایی چون سلگی و خوش‌لفظ را به ما شناساند. ساعت‌های خوش و باصفایی را با این کتاب گذراندم و بارها با دریغ و حسرت گفتم:

درنگی کرده بودم کاش در بزم جنون من هم / لبی‌تر کرده زان صهبای جام پرفسون من هم

هزاران کام در راه است و دل مشتاق و من حیران / که ره چون می‌توانم یافتن سوی درون من هم...

در میان کتاب‌های خاطرات جنگ، این یکی از بهترین‌هاست. نگارش درست و قوی، ذوق سرشار، سلیقه و حوصله، همت بلند، همه با هم دست به کار تولید این اثر شده‌اند. کتاب خانم ضرابی در شرح حال شهید عالی‌مقام علی چیت‌سازیان نیز دارای همین برجستگی‌ها است. این دو نفر از ستارگان اقبال همدانند».

■ «دختر شینا»

همچنین رهبر انقلاب در تقریظی که بر کتاب «دختر شینا» نوشته‌اند برای بانوی صبور قصه دختر شینا طلب رحمت الهی کرده‌اند. دختر شینا به قلم مهناز ضرابی زاده خاطرات خانم قدم‌خیر محمّدی کنعان از همسر شهیدش (سردار حاج ستار ابراهیمی) را بیان می‌کند.

«بسمه‌تعالی

رحمت خدا بر این بانوی صبور و باایمان و بر آن جوان مجاهد و مخلص و فداکاری که این رنج‌های توانفرسای همسر محبوبش نتوانست او را از ادامه جهاد دشوارش باز دارد.جا دارد از فرزندان این دو انسان والا نیز قدردانی شود.»

دختر شهید ستار ابراهیمی با قدردانی از حضور گرم مردم انقلابی همدان در این مراسم گفت: امروز خوشحالم چرا که روح پدر و مادرم با تقریظ رهبری شادمان شدند. وی افزود: خدا را شاکرم که خانم ضرابی‌زاده با هدیه «دختر شینا» و «گلستان یازدهم» به ادبیات مقاومت و جهاد بار دیگر حق شهدا را به جا آوردند».

■ «گلستان یازدهم»

کتاب «گلستان یازدهم» نیز به قلم مهناز ضرابی‌زاده است که روایتی از زندگی شهید چیت‌سازیان بیان می‌کند. متن تقریظ رهبر انقلاب بر این کتاب از این قرار است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

این روایتی شورانگیز است از زندگی سراسر جهاد و اخلاص مردی که در عنفوان جوانی به مقام مردان الهی بزرگ نائل آمد، و هم در زمین و هم در ملأ اعلی به عزت رسید... هنیئاً له. راوی - شریک زندگی کوتاه او- نیز صدق و صفا و اخلاص را در روایت معصومانه خود به روشنی نشان داده است. در این میان، قلم هنرمند و نگارش آکنده از ذوق و لطف نویسنده است که به این همه، جان داده است. آفرین بر هر دو بانو؛ راوی و نویسنده کتاب».

نقدفیلم

اسرافیل سرخورده!

علی مرادخانی: مساله زن، خانه و تردید بازگشت سوژه آشنایی برای سینمای ایران است. سوژه‌ای که البته نگاه‌های مختلف به آن آثار متفاوتی را از منظر فرم و محتوا پدید آورده و به حرکت ۲ لبه تیغ یاس و امید می‌ماند. سوژه‌ای که شاید نقطه اوج آن «ابد و یک روز» بود که سال گذشته یکی از ۲ پدیده فجر سی و چهارم لقب گرفت. این بار هم در «اسرافیل» با چنین مساله‌ای روبه‌رو هستیم. زنی که تلنگری به‌موقعیتش، دریچه‌های جدیدی از خاطره‌ها را برایش می‌گشاید. مردی که به‌رغم باور سایرین بر خوشبختی، از تنهایی به درماندگی رسیده و دنبال راه فرار از مخمصه می‌گردد و دختری که شرایط خانوادگی‌اش عرصه را بر وی تنگ کرده و خود را در محذور خود و خانواده مردد می‌یابد. از این منظر با قصه پر کششی طرف هستیم که می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. فیلمنامه‌ای که با لوکیشن‌های بدیع شهرستان، در قصه‌گویی دچار لکنت نمی‌شود، ریتم معقولی دارد و بالا و پایین بیجا ندارد. بازی‌ها هم هرچند درخشان نیستند ولی در خدمت فیلمنامه هستند و هرچند که در شخصیت‌پردازی با ضعف‌های عمده‌ای طرف است و تقریباً فهم کافی هیچکدام از شخصیت‌های اصلی به دست نمی‌آید، ولی در جاهایی ظرافت‌هایی از خود به نمایش می‌گذارد که نشان می‌دهد آیدا پناهنده کارگردان خوش‌آتیه‌ای است. البته هرچند که ۲ شخصیت اصلی فیلم زن هستند اما این به معنای زنانه بودن فیلم نیست و به جز بعضی استعاره‌های لطیف مثل اشاره به پروانه، اگر در تیتراژ نام یک کارگردان مرد را می‌دیدیم هم دچار تعجب نمی‌شدیم. این همه اما از منظر فرم بود، ولی محتوا هم به قدر فرم قابل قبول است؟ تمام خانواده‌ها و شخصیت‌ها تلخ هستند و گزنده. همه اسیر جبر هستند و هیچ‌کدام از تصمیمات مهم زندگی‌شان را خود نگرفته‌اند. آدم‌هایی که مثل عروسک خیمه‌شب‌بازی آنجایی هستند که بزرگ‌ترها می‌خواهند و آدم، اسیر دست تقدیر و سنت است. مرد، خانه پدری‌اش را به تعصبات خشمناک سنتی می‌فروشد و فرار را بر ایستادگی بر علاقه ترجیح می‌دهد. و چه پایانی تلخ‌تر از سرگشتگی مرد و تداوم مسیر بی‌بازگشت قبلی و حضیض زن میانسال و فرار دختر جوان؟ این دقیقا نقطه تفاوت اصلی «اسرافیل» و «ابد و یک روز» است. اگر سمیه «ابد و یک روز»، در انتها به خانه بازمی‌گردد و امیدوارانه چراغ‌ها را روشن می‌کند، «سارا» و «ماهی» (۲ شخصیت زن اسرافیل) اما هر دو ناکام و ناگزیر تمام می‌شوند، یکی در غبار محو می‌شود و دیگری با لبخندی از سر ترس و امید و دلهره رهسپار زندگی سراب‌آلود و ناپیدای استیجاری خارج از کشور می‌شود. در «ابد و یک روز» اگرچه امید به چشم‌های «نوید» بازمی‌گردد ولی اینجا نگاه پر از تشویش و اضطراب از آینده پایان کارِ «بهروز» قصه است. «اسرافیل» طرح بحث می‌کند ولی راهکار نمی‌دهد، از جامعه می‌گوید ولی کامل نمی‌گوید و قصه می‌گوید ولی ضعف‌هایش را نمی‌توان نادیده گرفت. فیلم است اما فرم و محتوا همدوش نیستند. آیدا پناهنده می‌تواند کارهای ماندگاری بسازد، اگر امیدوار باشد و بر ناکامی اصرار نکند.

نگاه

حضور کمرنگ «مردم» در ادبیات پیش از انقلاب

منیژه آرمین در بررسی ادبیات داستانی انقلاب گفت: شاید ادبیات آن دوره شعاری به نظر بیاید اما شعار بخشی از زندگی ما بود و بیش از ساختار به محتوا توجه می‌کردیم. به گزارش مهر، منیژه آرمین در برنامه «ترنم قلم» که در فرهنگسرای گلستان برگزار شد به بررسی ادبیات داستانی انقلاب پرداخت و گفت: آن سال‌ها افرادی در قالب چپ کمونیست، راست میانه‌رو، چپ مذهبی و راست افراطی وجود داشتند و فعالیت می‌کردند اما حرکت انقلابی مردم از مساجد شروع شد و این نکته مهم و قابل تاملی است. نویسنده «شب و قلندر» با اشاره به حضور کمرنگ مردم در ادبیات پیش از انقلاب بیان کرد: ما در آثار نویسندگانی چون صادق هدایت، صادق چوبک و بزرگ علوی شاهد حضور کمرنگ عامه مردم و باورهاشان هستیم. از این رو جلال آل‌احمد با کتاب‌هایی چون «خسی در میقات»، «در خدمت و خیانت روشنفکران» و «غرب‌زدگی» یک استثنا در ادبیات پیش از انقلاب ماست اما کسانی چون علی شریعتی و شهید مطهری با کتاب‌ها و سخنرانی‌های خود بسیار راهگشا بودند. نویسنده «سرود اروندرود» با اشاره به این نکته که هویت انقلابی در فرهنگ ایرانی‌ها سابقه دارد، افزود: ایرانی‌ها، پیش از اسلام هم حق‌طلب و ضد استعمار بوده‌اند. برای مثال در اسطوره‌ها و افسانه‌های ما «سیاوش» از آتش می‌گذرد و این قصه‌ها زاییده اندیشه‌های ماست. از این رو در جریان انقلاب هم به نوشتن داستان‌های انقلابی می‌پردازند و به موضوعاتی توجه می‌کنند که تا آن زمان مغفول مانده بود.